



«ایران» اظهارات جدید رئیس مجلس شورای اسلامی را بررسی می کند

هسته سخت ۹۰ میلیونی

گزارش

رضوانه رضایی پور- الهام یوسفی

گروه سیاسی

گفت‌وگوی تلویزیونی اخیر رئیس مجلس شورای اسلامی، هرچند تحلیل و تشریحی بود از جنگ، اما خود این گفت‌وگو را می‌توان «پیامد» یا «معلول» جنگ اخیر دانست. منطق، بیان، رویکرد و سخنانی که رئیس مجلس شورای اسلامی به کار برد، کاملاً در نوع خود بدیع و تازه بود. بدیع و تازه بودن را می‌توان در مقایسه‌ای با نشست خبری محمدباقر قالیباف در قیل از جنگ دریافت. به تعبیر دقیق و

جالب سعید آجورلو، تحلیلگر و استاد دانشگاه که اصولگرا نیز هست، این اظهارات قالیباف به منزله اعلان ورود به دوران جدید از جامعه شناسی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است. اما اظهارات رئیس مجلس شورای اسلامی چه چیزی داشت که قبلاً نداشت؟ از چه رویکرد و مفاهیم یا منطقی در آن به کار رفته بود که به قول سعید آجورلو، باید آن را به منزله ورود به عصر تازه‌ای از جامعه شناسی سیاسی ایران دانست؟ گذشته از تحلیل جنگ و تبیین فرآیندهای مرتبط با نبرد ایران با دشمنان متجاوز، محمدباقر قالیباف که بنا به صیغه و سلیقه کاملاً در جریان اصولگرایی تعریف می‌شود، وقتی خواست کنش و واکنش جامعه ایران در این جنگ را تحلیل کند، از دوگانه‌ها یا تقسیم بندی‌های پیشا‌جنگ

آغاز دوران جدید جامعه‌شناسی سیاسی ایران

باور دارم که ما پس از جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران، وارد دوره جدیدی در «جامعه‌شناسی سیاسی» شده‌ایم. وقتی از «جامعه‌شناسی سیاسی» سخن می‌گوییم، منظورمان رابطه متقابل جامعه و دولت است. به این معنا، بعد از جنگ اخیر می‌توان گفت هم تحلیل‌هایی که مبتنی بر فروپاشی اجتماعی بودند نادرست از آب در آمدند و هم تحلیل‌هایی که متکی بر «هسته سخت» بودند. یعنی تحلیل‌هایی که تأکید می‌کردند فقط بخشی از جامعه یا اقلیتی، پای کار کشور و نظام می‌مانند هم غلط از آب در آمدند. من صحبت‌های دکتر قالیباف را متعلق به همین زمانه جدید و دوران «جامعه‌شناسی سیاسی» جدید می‌دانم و معتقدم شکاف میان جامعه و دولت یا حاکمیت اکنون به پایین‌ترین حد خود رسیده است، یا دست‌کم شکاف‌هایی که قبلاً قابل رؤیت بودند، اکنون در کمترین حالت خود قرار دارند. به نظرم کاهش شکاف اجتماعی و شکاف در جامعه نکته‌ای بسیار مهم است. از این رو بر این باورم که آقای قالیباف در مصاحبه پنجشنبه شب این موضوع را تشریح و بیان کردند که ما وارد این دوره جدید از حیات سیاسی و اجتماعی ایران شده‌ایم. در این دوره جدید، ایده «فروپاشی اجتماعی» یا «هسته سخت کوچک» دیگر برای تبیین یا توضیح واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی ایران پاسخگو نیست و کارایی ندارد. به جای آن تبیین‌ها و توضیح‌ها، در دوره جدید حیات سیاسی و اجتماعی ایران، عبارت «هسته سخت ۹۰ میلیونی» که رئیس مجلس شورای اسلامی مطرح کردند، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. این نگاه، دریچه‌ای تحلیلی به ما می‌دهد تا بدانیم چگونه می‌توانیم دوران جدید را حفظ کنیم. واقعیت و پرسش مهم این است که چگونه می‌توان این دوران را با ویژگی‌هایی که ذکر شد، از جمله یک دفاع ملی همه‌جانبه یا بخش اجتماعی قدرتمند، حفظ کرد؟ این پرسش بسیار جدی و مهم است، زیرا عواملی که موجودیت خود را در این شکاف‌ها می‌بیند، تلاش خواهند کرد جامعه را به فضای قیل از جنگ بازگردانند. بنابراین حفظ مؤلفه قدرت، موضوعی مهم و بااهمیت است که در صحبت‌های پنجشنبه گذشته رئیس مجلس نیز به آن پرداخته شد. اکنون باید به مسأله به رسمیت شناختن و شنیدن صدای بخش‌های مختلف اجتماعی توجه و احساس امنیت و قدرت جمعی را حفظ کنیم. همچنین باید به سمت تصمیم‌گیری‌ها و جمع‌بندی‌های جدید در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حرکت کنیم؛ این نیز به نوبه خود موضوعی بسیار مهم است. نباید اجازه دهیم عوامل قطبی‌ساز بار دیگر فعال شوند. این وضعیت، شاید نوعی رقابت میان جامعه‌شناسی سیاسی قیل و بعد از جنگ باشد. جامعه‌شناسی سیاسی پیشین همچنان می‌خواهد فعال باشد و فضا را در دست بگیرد، اما این دوران جدید مختصات، ادبیات و اقدامات خاص خود را می‌طلبد. به باور من، صحبت‌های آقای قالیباف می‌تواند آغازی برای این مسیر باشد. یکی از مسائل قطبی‌ساز، حرکت به سمت فضای جنگی یا رفتن به سمت مذاکره از موضع تسلیم و ضعف است. این دوگانه وجود دارد و صحبت‌های رئیس مجلس بسیار نزدیک و همسو با ادبیات کلی حاکمیت و مورد تأکید رهبر انقلاب بود؛ به این معنی که نه به جنگ تحمیلی و نه به صلح تحمیلی. اینکه چگونه می‌توان پس از توقف جنگ، هم جامعه‌ای جدید ساخت، هم فرصت‌های نو خلق کرد و هم منافع کشور را تأمین نمود، از نکات مهم این گفت‌وگو بود که در فضای سیاسی و اجتماعی آینده نیز دیده خواهد شد. ایستادن در این میانه و مرزبندی با جنگ تحمیلی و صلح تحمیلی، اهمیت دارد و از جمله مسائلی است که می‌تواند از ایجاد شکاف و قطبیت جلوگیری کند. اتخاذ موضع میانه و متعادل که برگرفته از عقلانیت انقلابی است، در اینجا خود را نشان می‌دهد.

پذیرش تنوع و تکثر؛ کلید عبور از بحران‌ها

در شرایط امروز کشور، موضوع وحدت ملی اهمیت ویژه‌ای یافته است. جنگ اخیر اسرائیل علیه ایران، تلخ و با خسارت بود، اما توانست همبستگی و انسجامی را در جامعه ایجاد کند که می‌تواند بخشی از تلخی‌ها را جبران کند. اساساً زندگی همواره ترکیبی از سختی‌ها و شیرینی‌هاست و این وحدت ملی نعمتی است که باید به عنوان فرصتی ارزشمند حفظ و پاس داشته شود. اما آیا این فضای محبت و همدلی ملی که در جامعه شکل گرفته است، پایدار خواهد ماند؟ پاسخ روشن است: اختلاف نظر‌ها و تفاوت‌ها در هر جامعه‌ای وجود دارد و این اختلافات طبیعی است. بنابراین نکته مهم این است که جامعه به کثرت و تنوع خود واقف باشد و وجود طیف‌های مختلف را به رسمیت بشناسد. وحدت ملی به معنای یکسان بودن همه افراد نیست، بلکه به معنای به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و احترام به عقاید و فرهنگ‌های مختلف است. متأسفانه گاهی در فضای رسانه‌ای و مجازی، مخالفت‌ها با این تنوع به گونه‌ای مطرح می‌شود که گویی طرف مقابل که متفاوت فکری می‌کند یا متفاوت سخن می‌گوید، نباید وجود داشته باشد. این رویکرد نه تنها صحیح نیست بلکه موجب تعارض و تفرقه در صفوف ملت می‌شود. هیچ گروهی نمی‌تواند وجود دیگران متفاوت از خود را نادیده بگیرد. پذیرش تعارضات فکری در چهارچوب احترام متقابل، جامعه را از انحراف و خطا حفظ می‌کند و مانع تضعیف جبهه ملی در مقابل دشمنان می‌شود. در کشور ما، گروهی از افراد حضور دارند که ضرورت دارد پذیرش تفاوت داشتن دیگران را تمرین کنند. به عنوان مثال، در حوزه باورهای مذهبی و دینی، اکثریت جامعه ما به آموزه‌ها و ارزش‌های دینی باورمند هستند، اما شکل باور آنان با شکل ابراز آنان متفاوت است. از این رو باید وجود کسانی را که شاید اعتقادات دینی قوی‌تری ندارند، پذیرفت. قوی‌تر نبودن اعتقادات دینی این افراد، به معنای بی‌دینی آنان نیست، بلکه صرفاً به نوعی رفتار و سلوکش متفاوت است. همچنین کسانی که رویکردهای متفاوت دارند نیز باید به نوبه خود پایبندی‌های مذهبی و دینی دیگران را محترم بشمارند. این اصل درباره اقوام و مذاهب مختلف نیز صادق است، چرا که احترام به تنوع مذهبی و فرهنگی، پایه وحدت ملی است. در عرصه سیاست رسمی نیز مسئولان ما باید به این کثرت و تفاوت‌های موجود در جامعه احترام بگذارند و از قدرت و ظرفیت سیاسی خود برای تقویت انسجام و همدلی ملی ایجاد شده، استفاده کنند. انتخاب پزشکیان و شعار «وفاق»، او، نمونه‌ای از تلاش برای ایجاد اتحاد و همبستگی در کشور است که در دوران جنگ اخیر نیز تأثیرگذار بود. رئیس‌جمهوری توانست طی چند ماه نشان دهد که با اتحاد و همدلی بهتری می‌توان کشور را اداره کرد.

همبستگی ملی که پس از جنگ بیشتر نمود یافته، نتیجه رویکرد مثبت و تلاش برای اتحاد است. حفظ و تقویت این وحدت، کلید عبور از بحران‌ها خواهد بود. باید با احترام به تفاوت‌ها و همکاری در مسیر مشترک، آینده‌ای روشن برای ایران رقم زد، اما با درک این حقیقت که پایه اساسی وحدت ملی، پذیرش تکثر و تفاوت عقاید، نظرات و فرهنگ‌ها و وجود احترام متقابل میان آنهاست. اگر این اصول رعایت و تعارضات فکری در چهارچوبی مؤدبانه و متین مطرح شوند، جامعه مسیر رشد و توسعه را به خوبی طی خواهد کرد. این وحدت و انسجام، قدرت کشور را در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی تضمین کرده و زمینه‌ساز پیشرفت و آراش در جامعه خواهد شد.

و میهن خود دفاع کرده و مقابل متجاوز ایستادند. همین ایستادگی فراگیر که به قول قالیباف «حتی ماشالله شمس الواعظین هم به میدان آمده بود»، (شمس الواعظین که به زندان هم رفته بود) دیگر چگونه می‌توان ادعا کرد که هنگام سختی‌ها، بحران‌ها یا جنگ، فقط یک اقلیت کوچک به نام «هسته سخت» پای کار این کشور و نظام خواهد بود؟ رئیس مجلس حتی به بیانیه ۴۵۰ فعال سیاسی و مدنی برای تحریم «اینترنشنال» هم اشاره کرد و آن را ستود و درعین حال، تأکید کرد که همه این رویدادها و وطن‌خواهی‌های ایرانیان درون و خارج کشور به رغم تفاوت فکرها، به صورت خودجوش بوده است، بی‌آنکه کسی از آنان خواسته باشد. قالیباف براین واقعیت هم تأکید کرد که این ایران

نگاه به آینده از منظری تازه

حادثه تلخ و عبرت‌آموز جنگ تمام‌عیاری که اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها علیه ایران راه انداختند، ظرفیت ملی ما را در جامعه افزایش داد و درس‌های روشنگری برای حوزه سیاسی ما به جا گذاشت. در سال‌هایی شاهد بودیم که برخی صاحبان قدرت و مکتت تلاش کردند تا ظرفیت‌های ملی را به نفع حوزه یا جریان سیاسی خود مصادره کنند. این مصادره به گونه‌ای نبود که ساختار سیاسی را یک مفهوم یا منظومه تمام و کمال در نظر بگیرد، بلکه ابتدا شأن حوزه سیاسی را در حد تدابیر و تصمیم‌های صنفی، حزبی و گروهی خود کاهش می‌دادند و سپس آن ظرفیت‌ها را به نفع خود مصادره می‌کردند. در واقع، تلاش‌شان این بود تا امکانات، توانمندی و قابلیت‌های ایران را مصادره کنند و خود را

نماینده آن قرار دهند. اگر چنین رفتاری پسنده‌بود، حداقل انتظار می‌رفت که در برابر حادثه‌ای سنگین علیه تمامیت ایران، این ظرفیت محدود بتواند از ایران و استقلال آن دفاع کند. در حالی که مشخص شد هیچ گروه، قبیله یا تفکر سیاسی محدودی، آن‌هم با قرائت‌های مضیق خود، به تنهایی توان رفع تهدید از کلان کشور را ندارد. در جنگ اخیر دیدیم که ظرفیت‌های ملی، خود را به‌گونه‌ای فراتر از همه گروه‌ها نشان دادند. جنگ اخیر از نظر تخریب‌ها یا شهادت‌ها تلخ بود، اما درس سیاسی و اجتماعی هوشمندانه‌ای به مسئولان ما داد. آنچه‌آقای قالیباف هم به آن پرداخت، بیشتر تبیین این فهم یا نگرش است؛ اینکه رئیس قوه مقننه بر این مسأله تصریح می‌کند، واقعیتی ارزشمند است و باید ستایش شود. باید این نوع نگاه و این نوع تغییر را قدر دانست. اما سخن این است که صرف احترام و تبیین این نکات کافی نیست. هنگام بروز یک بحران بحران علیه ایران، یعنی جنگ اخیر، همه ایرانیان از هر قشر، گروه، تفکر، قومیت و سابقه سیاسی و غیرسیاسی، یکپارچه در برابر دشمن واحد ایستادند، گلابه‌های خود را کنار گذاشتند و انسجام فراگیر خود را نشان دادند. این مسأله تا آنجا اهمیت دارد که در کنار نظامیان خوب‌مان، حتی می‌توانیم بخشی از وقوع آتش بس را نتیجه این امر بدانیم که دنیای پیرامونی ما که در برابر ما ایستاد، متوجه شد که حملات آنان، نه‌تنها تواناست به شکاف‌های اجتماعی دامن بزند، بلکه جامعه متحدر هم شد. اساساً این اتحاد فراگیر ایرانیان بود که دشمن را عقب راند. به عبارت دقیق‌تر، آتش بس یکی از آثار بیان نشده این انسجام بزرگ ایرانیان بود. این وحدت ملی نشان می‌دهد که در کنار دولت ملی، جامعه مدنی بزرگ و قوی داریم. باید این‌ها پس از جنگ، باید به مطالبات و توقعات این جامعه مدنی توجه شود. نمی‌توان خواست ملت را به مسأله‌های پیش‌پاافتاده یا نگاه‌های بسته برخی با هر کرایش سیاسی تقلیل داد. امروز این پرسش برای مسئولان ما فراهم شده تا این مطالبات را دریابند و به‌دروستی به آن پاسخ دهند. مهم‌ترین مخاطب این مطالبات، مجلس شورای اسلامی است. قوه‌ای که نمایندگانی از طبقات مختلف جامعه را در خود جمع کرده، می‌تواند سخنگوی خواست ملت باشد و دیدگاه‌های متکثر و متنوع طبقات اجتماعی را نمایندگی و این دیدگاه‌ها را به قاعده و قانون تبدیل کند تا چنین قانونی به عنوان امری مورد دفاع از جانب حاکمیت و ملت، جنبه عملی پیدا کند. از این جهت، از سخنان آقای قالیباف استقبال می‌کنیم و معتقدیم باید از چنین منظری به آینده نگاه کرد، از زاویه‌ای جدید تا بتوانیم از کشور در برابر دشمنان خارجی صیانت کنیم.

آنچه بیش از همه اینها بیانگر شنیده شدن صدای مردم است و طنین اندازشدن کنش تاریخی مردم در همه ارگان کشور، حملات قالیباف است، وقتی که می‌گفت: «همیشه در صحبت با سرداران شهید کاظمی یا سلیمانی، صحبت از این بود که اگر دشمن یک بار دیگر مانند شهرویر ۱۳۵۹ به ما حمله کند، نسل جوان امروز هم مانند نسل جوان آن روز به میدان خواهند آمد؟» رئیس مجلس خطاب به یاران شهیدش، احمد کاظمی، غلامعلی رشید، محمد باقری و قاسم سلیمانی گفت: «باید بودید و می‌دیدید که نسل جدید و جوانان چطور به میدان آمدند و مقابل دشمن ایستادند.» اینها بیانگر شکل‌گیری پیوندی تازه و جدید میان عرصه‌های مختلف اجتماعی ایران است، میان نسل جدید، نسل‌های میانی و نسل‌های قدیمی؛ نسل‌هایی که حول «ایران اسلامی» بار دیگر یکدیگر را یافته‌اند. چنین است که به قول سعید آجورلو، حالا به نظام فکری دیگری نیاز داریم، نظام فکری‌ای که بتواند «جامعه‌شناسی سیاسی جدید ایران» را در همه ابعادش بفهمد و ارتباط اجزایش را تحلیل کند.

وحدت ملی؛ رمز عبور از بحران‌ها

در روزهای پراشتاب و حساس کنونی کشور که هر لحظه شاهد تحولات و رخدادهای سرنوشت‌ساز در عرصه داخلی و خارجی هستیم، یکی از ارزشمندترین دستاوردهای ملت ایران، ایستادگی و مقاومت تاریخی نه تنها موجب حفظ استقلال و عزت ملی شد، بستر وحدت و انسجام ملی را در عرصه بیش از پیش فراهم آورد. امروز بیش از هر زمان دیگری باید قدر این نعمت بزرگ الهی را بدانیم و وحدت و انسجام را سرلوحه تمامی اقدامات خود قرار دهیم. تجربه انقلاب اسلامی و سال‌های دفاع مقدس به ما آموخته است که رمز پیروزی و عبور از بحران‌ها، همدلی، اتحاد کلمه و پرهیز از تفرقه و اختلاف است. هرگاه ملت ایران حول محور ارزش‌های مشترک و اهداف عالیه انقلاب گرد هم آمده‌اند، توانسته‌اند بر مشکلات فائق آیند و دشمنان را ناکام بگذارند. دولت به عنوان نماینده اراده ملت و مجری سیاست‌های کلان کشور، همواره تلاش کرده است تا بحث وفای ملی را در عرصه سیاسی مطرح و دنبال کند. امروز، شرایطی استثنایی و بی‌سابقه پدید آمده است؛ چرا که شاهد حضور و همبستگی همه جناح‌ها و گروه‌های سیاسی، حتی آتانی که پیش‌تر نسبت به برخی امور اجرایی کشور انتقاد داشتند، در کنار یکدیگر و در مسیر حرکتی به مردم هستیم. این همدلی و هم‌افزایی، فرصتی طلایی است تا با کنار گذاشتن اختلافات و حواشی، خدمت به مردم را در اولویت قرار دهیم و با حمایت همه‌جانبه، بر مشکلات فائق آییم. در شرایط بحرانی و جنگی، حل مشکلات مردم باید به اولویت مشترک همه مسئولان و دلسوزان کشور تبدیل شود. بی‌تردید، با همدلی، یک صدایی و هم‌افزایی، می‌توان مسیر پیشرفت و آرامش جامعه را هموار ساخت و امید را در دل مردم زنده نگه داشت. امروز بیش از هر زمان دیگری، نیازمند آن هستیم که مسئولان و نخبگان سیاسی، با پرهیز از اختلافات و توجه به منافع ملی، در کنار یکدیگر قرار گیرند و با عزمی راسخ، برای رفع مشکلات و تحقق آرمان‌های انقلاب تلاش کنند. در این میان، میدان دادن به مردم و مشارکت دادن آنان در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنچه از امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری آموخته‌ایم، ضرورت توجه به مردم به عنوان ولی نعمتان انقلاب است. باید اجازه دهیم مردم در تمامی امور حضور و نقش‌آفرینی داشته باشند و مطالبات و دغدغه‌های‌شان در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ شود. بی‌تردید، بدون حضور و مشارکت مردم، نه در جنگ پیروز خواهیم شد و نه در مسیر توسعه و تحقق آرمان‌های انقلاب حرکت خواهیم کرد. امروز، وحدت و مشارکت مردمی، کلید عبور از بحران‌ها و رمز پیروزی‌های آینده است. باید با تکیه بر این سرمایه عظیم اجتماعی، با حفظ و تقویت انسجام ملی، با امید و اعتماد به آینده، مسیر پیشرفت و تعالی کشور را هموار سازیم. بیاییم همه با هم، با وحدت، همدلی و مشارکت فعال، ایران عزیز را از این پیچ تاریخی عبور دهیم و زمینه‌ساز سربلندی و عزت بیشتر برای ملت بزرگ ایران باشیم.

دولت کنار مردم

همراه با ایستادگی ملت ایران، وزارتخانه ها و سازمان های مختلف دولت همه تلاش ها و تدابیر خود را برای مدیریت کشور در شرایط جنگ تحمیلی و رفع و تأمین نیازهای مردم در حوزه های مختلف معطوف کردند. مجموعه اقدامات، تدابیر و برنامه های دولت را باید همچون زنجیره ای به هم پیوسته در نظر گرفت. زنجیره‌ای که یک سر آن به مرزها و گمرکات کشور برای تأمین و ورود کالاهای اساسی می‌رسد، یا یک سر آن به مزارع گندم و جای می‌رسد و سر دیگر آن به نام کالاهای اساسی و دارویی که مردم در شهرها و خیابان‌های خود دریافت می‌کنند. خدمت مهم در دیگر دولت در این روزها، تأمین و پرداخت خسارت ایرانیانی است که در تجاوز دشمن، خانه و کاشانه خود را از دست داده اند یا خانه و کاشانه آنان آسیب دیده است. در این صفحه تلاش شده است بخشی از این اقدامات دولت، نه در قالب کلام، بلکه در قالب تصویر بیان شود.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی



وزارت راه و شهرسازی



وزارت جهادکشاورزی

